



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

جایگاه حیات طیبه در سند تحول بنیادین: بررسی مراتب حیات طیبه در نظام آموزشی

مهین ابوالقاسمی هریس^۱

^۱ کارشناسی ارشد، جمعیت شناسی، پیام نور

اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی، شهرستان هریس، مدیر

Alimahya1355@gmail.com

۰۹۱۴۴۳۲۱۲۶۳

چکیده :

پژوهش حاضر با هدف بررسی «جایگاه حیات طیبه در سند تحول بنیادین: بررسی مراتب حیات طیبه در نظام آموزشی» صورت پذیرفته است. روش پژوهش حاضر از نوع کیفی و مروری بوده و شیوه گردآوری داده‌ها مبتنی بر شیوه‌ی کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد و داده‌ها با رویکرد توصیفی و تحلیلی گردآوری شده است. نتایج حاصل پژوهش نشان می‌دهد که هر مکتب و مذهبی، سبک زندگی برای بشریت ارائه می‌دهد و مدعی است، جامعه مطلوب و زندگی سالم در نتیجه پیروی از روش زندگی است که آنان ارائه می‌نمایند. راه‌های احیاء و ارتقای مراتب حیات طیبه در نظام آموزشی کدام است؟ حقیقت این است وقتی سخن از سبک زندگی اسلامی و حیات طیبه به میان می‌آید، دو امر به ذهن تداعی می‌کند. به عبارتی گزاره حاکی از سبک زندگی اسلامی (حیات طیبه) متضمن دو گزاره دیگر هم هست: الف) وضع موجود جوامع بشری دچار آسیب‌ها و آفت‌زده سبک زندگی غیر اسلامی است. ب) چیستی و چگونگی سبک زندگی اسلامی و دیگری امکان حصول به این سبک زندگی است. از آن‌جا که یافته‌ها حاکی از آن است که ایمان و عمل صالح، ملاک و معیار اساسی سبک زندگی اسلامی است. در این پژوهش تلاش شده است، با روش توصیفی- تحلیلی موضوع احیاء و ارتقای مراتب حیات طیبه در نظام آموزشی در سند تحول بنیادین مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی اسلامی، نظام آموزشی، حیات طیبه، سند تحول



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

۱- مقدمه :

در طول تاریخ برای همه انسان‌ها این سؤال مطرح بوده است که هدف زندگی چیست و انسان برای چه زندگی می‌کند و در واقع هدف انسان از زندگی چه باید باشد؟. آفریدگار این نظام هستی، جهان و انسان را به چه هدفی آفرید؟ هدف خلقت جهان و انسان چیست؟ باید توجه داشت، منظور از سؤالات یاد شده این نیست که بدانیم غایت این آفرینش چیست، بلکه منظور بررسی هدف و کمال انسان می‌باشد. به دیگر سخن، ماهیت انسان چیست، تا بررسی گردد سبک زندگی شایسته آدمی در این جهان چه می‌باشد. یکی از آموزه‌های مشترک همه ادیان الهی این است که در متون دینی؛ از یک سو، سبک زندگی غیر الهی مذمت و تخطئه شده است و آسیب شناسی درخوری از سبک زندگی آنان، به عمل آمده است. این نکته، هم ناظر به ساحت فردی انسان‌ها و هم ناظر به ساحت جمعی آدمی است. برخی از آیات قرآن، وضع موجود انسان را مورد مذمت قرار می‌دهد. مانند سوره عصر، آیه ۲؛ احزاب، ۷۲؛ ابراهیم، ۳۴؛ علق، ۶؛ معارج، ۱۹ و ۲۰؛ اسراء، ۱۱، ۶۷ و ۱۰۰؛ حج، ۶۶؛ شوری، ۴۸؛ زخرف، ۱۵. و برخی دیگر از آیات قرآن، بخشی از ساحت جمعی انسان‌ها را مورد نکوهش قرار می‌دهد. مانند سوره عنکبوت، آیه ۲ و ۳؛ انفال، ۲۵؛ ابراهیم، ۴۲؛ اعراف، ۹۴ و ۹۵. از سوی دیگر، در برخی از آیات، سبک زندگی مورد تأیید اسلام نیز بیان شده است، تا انسان‌ها بدانند، سبک زندگی مطلوب اسلامی چیست و ویژگی‌ها و آثار آن چه می‌باشد و رسیدن به آن، ممکن است. غایت آموزه‌های دینی، رهایی از وضع موجود سبک زندگی غیر اسلامی و رسیدن به «حیات طیبه» می‌باشد. از این رو، مبدأ نظام آفرینش را به گونه‌های مختلف بیان کرده و نیز مبدأ آفرینش خود انسان و پایان زندگی دنیوی او را ترسیم نموده و دو نوع سبک زندگی الهی و غیر الهی را بیان کرده و ویژگی‌ها و آثار هر دو را به شکل واضح آشکار می‌سازد. در این پژوهش تلاش شده است در راستای رسیدن به سبک زندگی اسلامی، این موضوع از منظر قرآن و روایات مورد بررسی قرار گیرد و مفهوم آن و زوایای عمیقش در بستر آیات قرآن و زندگی معصومین (علیهم السلام) تبیین شود.

۲- روش تحقیق:

این مقاله با روش گردآوری اطلاعات از طریق کتابخانه و نرم افزار و به صورت توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است.

۳- بحث درباره یافته‌ها:

معنای لغوی و اصطلاحی سبک زندگی اسلامی:

واژه سبک در زبان عربی از مصدر ثلاثی مجرد به معنی "گداختن و قابلیت پیدا کردن زر و نقره" گرفته شده است. اما امروزه در زبان عربی از معادل آن به معنای "اسلوب" برای رساندن معنای سبک بهره می‌برند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶، ص ۲۳۱).

همچنین از شکل ترکیبی اصطلاح "سبک زندگی" نیز تعاریف‌های متفاوتی ارائه شده است که برخی از آنها عبارتند از :

(۱) شیوه زندگی یا سبک زیستن که بازتابنده گرایش‌ها و ارزشهای یک فرد یا گروه است

(۲) عاداتها، نگارشها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی و تفاوت سطح زندگی نیز از معانی لغوی واژه سبک زندگی می‌باشد.

معنای اصطلاحی آن شامل روش و طرز زندگی کردن فرد یا گروهی همراه با عادات و سلیقه‌های، مشترک می‌باشد. بنیان الگوهای موجود در یک سبک زندگی را همان فرهنگها و شاخصها و هنجارهای موجود در آن جامعه تشکیل می‌دهد، زیرا فرهنگ به عنوان مجموعه‌ای در هم تنیده و رو به تکامل از ویژگی‌های خاص زندگی اجتماعی یک فرد است. ارمغان یک فرهنگ علاوه بر نهادینه کردن ارزشها، آرایه راهکارهایی برای تبعیت از هنجارها نیز می‌باشد، براین اساس میتوان گفت که فرهنگ با سبک زندگی هم پوشانی دارد. و در واقع سبک زندگی بخشی از فرهنگ یا دست کم لایه‌ی آشکار آن را تشکیل می‌دهد. (غلامرضایی، ۱۳۷۷، ص ۴۶)

هدف کلی:

براساس موازین دینی در سایه تعالیم قرآن کریم و سیره ائمه معصومین و با توجه به سند تحول بنیادین در نظام و ساختار آموزش و پرورش، یکی از اهداف کلی در نظام تعلیم و تربیت ترویج و تعمیق فرهنگ حیا، عفاف و حجاب متناسب با قابلیت‌ها و ظرفیت‌های نظام تعلیم و تربیت می‌باشد. در همین چارچوب راهکارهایی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

راهکارها:

۱- بازنگری و بازتولید برنامه‌ها و محتوای آموزشی و روش‌های تربیتی برای درونی‌سازی و تعمیق و ترویج فرهنگ حیا، عفاف و حجاب.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

- ۲- اتخاذ تدابیر مناسب جهت جذب، تربیت و بکارگیری نیروی انسانی شایسته و متعهد و عامل به رعایت حیا، عفاف و پوشش مناسب در کلیه مراکز اداری و آموزشی.
- ۳- جلب مشارکت سازنده و اثربخش خانواده‌ها در حفظ، تعمیق و اشاعه حیا، عفاف و پوشش دانش‌آموزان.
- ۴- ایجاد سازوکارهای لازم برای هماهنگی رسانه‌ها و تولید کنندگان کتب و مواد آموزشی، لوازم‌التحریر و تجهیزات آموزشی و تربیتی در جهت ترویج فرهنگ حیا، عفاف و حجاب مناسب در دانش‌آموزان.
- ۵- طراحی و ارائه الگوی لباس و پوشش مناسب، متنوع، زیبا و آراسته مبتنی بر فرهنگ اسلامی - ایرانی برای مربیان و دانش‌آموزان پسر و دختر در راستای تقویت هویت اسلامی - ایرانی.
- ۶- برنامه‌ریزی به منظور اقعان فکری دانش‌آموزان برای پذیرش قلبی و درونی حیا، عفاف، حجاب و عمل به آن با تبیین دیدگاه اسلام.
- ۷- ارائه خدمات مشاوره‌ای - تربیتی در کلیه سطوح تحصیلی برای افزایش سلامت جسمی و روحی دانش‌آموزان.

الف) سبک زندگی از دیدگاه قرآن کریم:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَنَلْجِزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (النحل، ۹۷)

هر کس - از مرد یا زن - کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات می‌بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد». بین انسان و پروردگار جهانیان، عهد و پیمانی است که پاسداشت آن، درهای معنوی را می‌گشاید و آدمی را به «حیات طیبه» و سبک زندگی اسلامی رهنمون می‌سازد، تا او را به بارگاه رحمت الهی و جهان «عندیت» برساند. جهانی که پایدار و همیشگی است و زندگی سالم و شادمان و برخوردار از آن زندگی، هرگز تباه نمی‌شود.

راه یافتن به جهان «عندالله»، پاداش صبر و بردباری مؤمنان است که عهد و پیمان خدا را نشکسته و به بهای ناچیز آن را نفروخته‌اند و به جهت بهتر عمل کردن، به سود بی‌نظیر و غیر قابل وصف، دست می‌یابند، این نتیجه و پاداش بهتر از عمل آدمی که به سبب عمل صالح مشروط به ایمان، نصیب زن و مرد می‌شود، «سبک اسلامی» است. زندگی پاک از هرگونه نابودی و کمبودی و ناکامی و بیم و اندوه از جمله ویژگی‌های این سبک زندگی است. در برابر سبک زندگی سالم اسلامی، زندگی فرومایگی، زیر نفوذ شیطان وجود دارد و آن، برای کسانی است که فرمان بر شیطان هستند. در مورد «حیات طیبه» (سبک زندگی اسلامی) دیدگاه‌های گوناگونی مطرح شده است که به برخی به صورت کوتاه، اشاره می‌شود:

مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان «حیات طیبه» را به رزق و روزی حلال، زندگی شرافتمندانه همراه با قناعت و خشنودی، بهشت پر طراوت و زیبا و زندگی خوش در آنجا و زندگی خوشبختانه در بهشت برزخی تفسیر نموده است. (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۷، صص ۷۳۴-۷۳۵) برخی دیگر از مفسران گفته‌اند «حیات طیبه»، حیات بهشتی است که مرگ ندارد و فقر و بیماری و هیچ شقاوت دیگری، در آن نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۱۱، ص ۳۹۴) در تفاسیر دیگر «عبادت همراه با روزی حلال» و «توفیق اطاعت خدا و مانند آن» نیز افزوده‌اند.^۱

خدای متعال در این آیه، وعده بسیار مهمی به زنان و مردان می‌دهد که در نتیجه ایمان و اثر اعمال صالحشان، «حیات طیبه» به آنان عطا می‌کند. تنها شرط، مؤمن بودن و صاحب عمل صالح است. زیرا عمل در کسی که مؤمن نیست، حبط و نابود می‌شود و اثری بر آن، مترتب نمی‌شود.

قبل از پرداختن به ویژگی‌های حیات طیبه در چارچوب موازین قرآن، باید توجه داشت که سبک زندگی و رسیدن به حیات طیبه براساس سند تحول بنیادین بر اساس ارزش‌های موجود در جامعه، باید با بنیادهای اساسی وجود دارد که لازم است تمام اجزا و مؤلفه‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی هماهنگ با آنها بوده و همه سیاست‌گذاران و کارگزاران نظام ملتزم و پایبند به آنها باشند. این ارزش‌ها براساس آموزه‌های قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) و حضرات اهل بیت (علیهم‌السلام)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهنمودهای رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) و رهبری معظم انقلاب و سند چشم‌انداز بیست ساله و نقشه جامع علمی کشور و سیاست‌های کلی تحول نظام آموزشی تهیه و تدوین شده است.

از جمله این آموزه‌ها عبارتند از

- ۱- آموزه‌های قرآن کریم، نقش معنوی، اسوه‌ای، هدایتی و تربیتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (سلام الله علیه)
- ۲- آموزه‌های بنیادین مهدویت و انتظار
- ۳- میراث نظری و عملی حضرت امام خمینی (ره)، تعمیق علاقه و پیوند با انقلاب اسلامی، قانون اساسی و ولایت فقیه



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

۴- فرآیند تعلیم و تربیت در تمام ساحت‌ها شامل تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، اجتماعی و سیاسی و.....

۵- نقش معلم (مربی) به عنوان هدایت‌کننده و اسوه‌ای امین و بصیر در فرآیند تعلیم و تربیت و مؤثرترین عنصر در تحقق مأموریت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.

۶- کرامت ذاتی و اکتسابی انسان و کسب فضایل اخلاقی از جمله: ایمان، تقوا، تولی و تبری، عمل صالح، خودباوری، روحیه مجاهدت، ظلم‌ستیزی، علم، حکمت، عفت، شجاعت، عدالت، صداقت، ایثار و فداکاری.

۷- تکوین و تعالی جنبه‌های انسانی هویت دانش‌آموزان برای تقویت روابط حق محور، عدالت‌گستر و مهرورزانه با همه انسان‌ها در سراسر جهان.

۸- منزلت علم نافع، هدایت‌گر و توانمندساز و پرورش، ارتقا و تعمیق انواع و مراتب عقلانیت و مقام و جایگاه عالم و معلم.

۹- ارتقاء جایگاه و نقش تربیتی خانواده، اماکن مذهبی، نهادهای مردمی، اجتماعی و رسانه، و مشارکت اثربخش آن با نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.

۱۰- استمرار فرهنگ اسلامی - ایرانی از طریق ارزیابی آگاهانه آن و تعامل نقادانه با سایر فرهنگ‌ها براساس نظام معیار اسلامی.

۱۱- مسئولیت‌پذیری همه‌جانبه و ارج نهادن به دستاوردهای علمی و تجربه‌های بشری در چارچوب نظام معیار اسلامی و بسترسازی برای دستیابی به مرجعیت علمی جهان.

و.....

بنابر این با بررسی آیات قرآن شریف به ویژگی‌های متعددی از حیات طیبه می‌توان رسید. برخی از ویژگی‌های «حیات طیبه» و جهان‌عندالله به شرح ذیل است:

۱- زندگی حقیقی:

حیات به معنای جان انداختن در چیز و افاضه حیات به آن است. آیه شریفه ﴿فَلَنَحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً﴾ (النحل، ۹۷)، تصریح به این دارد، مؤمنی را که عمل صالح انجام دهد، به حیات جدیدی، غیر از آن حیاتی که به دیگران نیز داده، زنده می‌کند. مقصود این نیست که حیاتش را تغییر می‌دهد. مثلاً حیات خبیث او را مبدل به حیات طیبی می‌کند که اصل حیات، همان حیات عمومی باشد و صفتش را تغییر دهد. زیرا اگر مقصود این بود، کافی است که بفرمایید: «ما حیات او را طیب می‌کنیم» ولی این طور نفرمود، بلکه فرمود: «ما او را به حیاتی طیب، زنده می‌سازیم».

کسی که به حیات طیبه می‌رسد، به علم و ادراکی دست می‌یابد که دیگران نرسیدند. همچنین از موهبت قدرت بر احیای حق و ابطال باطل، سهمی دارد که دیگران ندارند. ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (المائدة، ۶۹). این علم و این قدرت جدید و تازه، مؤمن را آماده می‌سازند، تا اشیاء را بر آنچه که هستند، ببیند و اشیاء را به دو قسم تقسیم می‌کنند. یکی حق و باقی و دیگری باطل و فانی. وقتی مؤمن این دو را از هم متمایز دید، از صمیم قلبش، از باطل فانی که همان زندگی مادی دنیا و نگارهای فریبنده و فتانه‌اش می‌باشد، اعراض نموده و به عزت خدا، عزیز می‌شود. وقتی عزت او، خدایی شد، دیگر شیطان با وسوسه‌هایش نمی‌تواند، او را دلیل و خوار کند.

کسانی که به «حیات طیبه» می‌رسند، دل‌هایشان مربوط به پروردگار و جز تقرب او را دوست نمی‌دارند و تنها از سخط و خشم و دوری او، می‌ترسند. برای خویشتن، حیات ظاهر و دائم سراغ دارند که جز رب غفور، کسی اداره کن آن حیات نیست و در سبک زندگی خود، جز حسن و جمیل چیزی نمی‌بینند. این چنین انسانی که به «حیات طیبه» رسیده، در نفس خود، به چنان نور و کمال و قوت و عزت و سروری می‌رسد که نمی‌توان اندازه‌اش را معین کرد. نمی‌توان گفت که چگونه است و چگونه چنین نباشد، در حالی که مستغرق در حیات دائمی و زوال‌ناپذیر و نعمتی باقی و فنا‌ناپذیر است. این «حیات طیبه»، زندگی حقیقی است نه مجازی و زندگی واقعی و جدید می‌باشد. کسی که دارای آن چنان زندگی است، دو جور زندگی ندارد، بلکه زندگی‌اش قوی‌تر و روشن‌تر و دارای آثار بیشتر است. چه اینکه روح قوی که خدای متعال، انبیاء را مخصوص آن کرده، یک زندگی سوّمی نیست. بلکه درجه سوّم از زندگی است که زندگی آنان درجه بالاتری دارد.

از این رو است که خداوند، این زندگی را به طیب توصیف کرده که حیاتی است خالص که خیالیتی در آن، نیست. راه یافتگان به عالم «عندالله» از زندگی حقیقی در محضر خداوند که در حقیقت اثر و جلوه اسم «حی» است، برخوردارند. ﴿بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ (آل عمران، ۱۶۹) زنده‌اند و نزد پروردگارش روزی دارند.

موهوم بودن حیات دنیا و حقیقی بودن حیات عندالله در قیامت، برای انسان‌های غافل، آشکار شده و با حسرت و آه می‌گویند ﴿يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي﴾ (الفجر، ۲۴) روزی که انسان می‌گوید: «ای کاش برای زندگی، چیزی از پیش می‌فرستادم!» زیرا آن هنگام روزی است که ﴿وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ﴾ (الاحقاف، ۲۰) «کافران به آتش



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes



سپرده می‌شوند و به آن‌ها می‌گویند: پاک‌هایتان را در زندگی دنیا، از بین بردید و از حیات دنیا بهره‌ای اندک جستید. پس امروز به عذاب خوار کننده مجازات می‌شوید. به خاطر آنچه استکبار می‌ورزید.

۲- جامع خیر دنیا و آخرت:

عالم «عندیت» نه در حیات دنیایی محصور است و نه به حیات اخروی اختصاص دارد. بلکه خیر آن، بر دنیا و آخرت گسترده شده و برخورداران از «حیات طیبه» در همین دنیا از آن بهره‌مندند (۴) ﴿فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾ (النساء، ۱۳۴). پس پاداش دنیوی و اخروی نزد خدا است. در ادعیه اهل بیت آمده است «و تحییننا حیاةً طیبهً فی الدنیا و الآخرة» (مجلسی، ج ۹۵، ص ۳۶۳) ما را به زندگی پاکیزه، در دنیا و آخرت زنده بدار. از این دعا، معلوم می‌شود که «حیات طیبه»، شامل خیر دنیا و آخرت است و آیه شریفه نیز فرمود که خیر دنیا و آخرت، نزد خدا است. پس تحقق «حیات طیبه» با شاخص برخورداری از خیر دنیا و آخرت، عندالله محقق می‌شود.

۳- پایداری:

بهره‌مندی از «حیات طیبه»، ابدی و ماندگار است و کسی که به «حیات طیبه» دست یافت، در آن، نابودی و فرسودگی وجود ندارد. در آیه سوره نحل که بحث از «حیات طیبه» فرمود و اینکه عهد الهی را نفروشید، چرا که، بهره عندالله برای شما نیکو و پسندیده و بهتر است، در استدلال به این جمله، فرمود: ﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ﴾ (النحل، ۹۶) «آنچه نزد شما است، نابود شدنی و آنچه نزد خدا است، ماندنی می‌باشد». در آیه دیگر فرمود: ﴿وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ (القصص، ۶۰) «آنچه نزد خدا است، نیکوتر و پایدارتر است».

۴- نامحدود بودن:

سرچشمه بیکران و بی‌پایان همه چیز، نزد خدا است و حتی بهره‌های اندک دنیایی هم جلوه و جرعه‌ای از آن خزانه‌های بیکران عندالله است ﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزَلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ﴾ (الحجر، ۲۱) «و هیچ چیز نیست، مگر اینکه معادن آن، نزد خدا است و به اندازه معین، از آن فرود می‌آید».

راه یافتگان به آن عالم و «حیات طیبه» هر چه بخواهند، برایشان فراهم است و محدودیتی ندارد. ﴿لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ (الزمر، ۳۴) «هر چه بخواهند، برای آنان، نزد پروردگارشان هست». ﴿لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ﴾ (ق، ۳۵). «برایشان هر چه بخواهند، در آنجا هست، نزد ما بیش از آن است». از این رو، کسانی که در زندگی دنیا به «حیات طیبه» راه یافتند، هر چه اراده کنند، برای آنان فراهم می‌شود و این برایشان سهل و آسان است و وجود پیدا کردن خواستشان در مقابل مقام معنوی آنان، کوچک است.

۵- کمال وجودی:

رسیدن به عالم عندالله و «حیات طیبه»، تحول وجودی، به سوی کمال است و این گونه نیست که میان راه یافتگان به آن عالم و درجات و کمالاتشان، جدایی وجود داشته باشد. بلکه صاحبان مقام عندیت، عین کمال بوده و خودشان، درجات آن عالم هستند. ﴿هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ﴾ (آل عمران، ۱۶۳) «آنان، درجاتی نزد خدا هستند» و برخوردارها و بهره‌مندی‌ها، از خارج وجودشان به آنان داده نمی‌شود. بلکه سیر به سوی حقیقت، وجود آنان را به سرچشمه کمال و جمال، تبدیل کرده است.

۶- ملاک و میزان بودن:

در جهان «عندیت» نهایت کمال انسانی شکوفا شده است و کسی که به این جهان راه یابد، به اوج درجات کمال رسیده است. از این رو، راه یافتگان به آن درجات، ملاک و میزان هستند. از آیات قرآن بر می‌آید که «اکرم» و «اقسط» عندالله، معیار و میزان حقایق عالم است.

۷- جایگاه کتب قدسی:

قرآن کریم و سایر کتاب‌های مقدس، در جهان «عندیت» بوده و کسی که به «حیات طیبه» برسد، آن‌ها را مشاهده کرده و از حقیقت آن‌ها آگاه است. ﴿وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾ (البقره، ۸۹) «و هنگامی که از سوی خداوند، کتابی به سویشان آمد». ﴿وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ﴾ (الرعد، ۳۹) «نزد او، ام‌الکتاب است». ﴿وَ عِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ﴾ (ق، ۴) «و نزد ما، کتاب حفیظ - لوح محفوظ - است». ﴿وَ إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ﴾ (الزخرف، ۴) «این قرآن، در ام‌الکتاب، نزد بلند مرتبه‌ای حکیم است».

همه حقایق عالم از سرگذشت و سرنوشت نیکان و بدان، تا وقایع و حوادث جهان، در آن نوشته و در مراتب بالا، نزد پروردگار محفوظ است و مقربان بارگاه الهی و کسانی که به «حیات طیبه» رسیده‌اند، آن را مشاهده می‌کنند. ﴿إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ * كِتَابٌ مَرْقُومٌ * يُشْهِدُهُ الْمُقَرَّبُونَ﴾ (المطففين، ۱۸-۲۱) «نوشته ابرار، در علیین است و تو، چه میدانی، علیین چیست؟! کتابی است نگاشته شده که مقربان می‌بینند».

۸- جلوه آیات الهی:



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

جهان «عندیت» جلوه روشن آیات الهی است. ﴿إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ (الانعام، ۱۰۹) «تمام آیات الهی، فقط نزد خداوند است». کسی می‌تواند، آیات الهی را درک کند که چشمی به عالم عندالله گشوده و خبری از آن یافته باشد. جهان، سراسر آیات الهی است.

خداوند، علت پدیده‌ها است و با شناخت خداوند و درک حضور او، می‌توان آیات او را به درستی شناخت. افرادی که به «حیات طیبه» رسیده‌اند، ابتدا خدا را می‌بینند، آنگاه آیات و نشانه‌های او را به تماشا می‌نشینند. آنان همه آیات را نزد خدا یافته، معنای حقیقی آیه بودن را در می‌یابند. ﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾ (الفصلت، ۵۳)

«نشانه‌هایمان را در عالم و جان‌هایمان نشان خواهیم داد، تا برایشان آشکار شود که او حق است». علامه طباطبایی در رساله الولایه، ضمیر «انه الحق» را به خداوند بر می‌گرداند و واژه «شهید» در آیه را «مشهود» معنا کرده و چنین می‌نویسد: «هر چه را انسان می‌بیند، اول خدا را می‌بیند، بعد آن شی را، زیرا «هو الظاهر» جایی برای ظهور غیر نمی‌گذارد. (طباطبائی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۰)

۹- علم:

یکی از والاترین و برترین شاخصه «حیات طیبه» و کسانی که به «حیات طیبه» زنده هستند، ویژگی دارا بودن علم است. خود قرآن، شناخت خدا و آیات و آثار او و تمام علم، نزد خدا است ﴿إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ (الاحقاف، ۲۳) «علم، تنها نزد خدا است» و هر کس به علم حقیقی برسد، بهره عند الهی یافته و به جهان «عندیت» راه یافته است. ﴿وَ عَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا﴾ (الکهف، ۶۵) «او از نزد خود، به او علمی آموختیم». اهل بیت رسول خدا، معدن و منبع این علم و سرآمد اهل «حیات طیبه» اند. امام باقر علیه‌السلام فرمود: «والله انا لخزان الله في سمائه و ارضه، لا على ذهب لا على فضة الا على علمه (کلینی، ج ۱، ص ۱۹۲، ح ۲) به خدا سوگند که ما خزانه داران خدا در آسمان و زمینش هستیم. نه خزانه داری بر طلا و نقره، بلکه خزانه داری علم اویسیم.

۱۰- نور:

هر کس توفیق رسیدن به «حیات طیبه» پیدا کند، فردی است که از همه تعلقات و تیرگی‌ها، رها یافته و جان و دلش، صاف و پاک گشته است. خداوند این گروه از راه یافتگان به «حیات طیبه» را به حضور می‌پذیرد. ﴿وَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَ الشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ﴾ (الحديد، ۱۹) «کسانی که به خدا و رسولش ایمان آوردند، آنان اهل راستی و گواهان نزد پروردگارتند که پاداش و نورشان برای آنان است». این گروه، کسانی هستند که خداوند را با تمام وجود درک کرده و مظهر جمال و جلال او شدند، در میان مردم با این نور، حرکت می‌کنند. ﴿أَوْ مَنْ كَانَ مِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا﴾ (الانعام، ۱۲۲) «ای کسانی که مرده بود، پس او را زنده کردیم و برایش نوری قرار دادیم که با آن، میان مردم حرکت کند، مثل کسی است که در تاریکی‌ها وامانده و راه‌گریزی ندارد؟». افراد راه یافته به «حیات طیبه»، به مقدار میزان درک حضور، توان انعکاس نور را دارند. در این میان، اهل بیت رسول خدا، تمام نور او را دریافت کرده و جهان را به نور او فروغ و روشنی بخشیده‌اند.

ابوخلد کابلی می‌گوید: از امام باقر «علیه‌السلام» درباره این آیه سؤال کردم که خداوند می‌فرماید: ﴿فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا﴾ (التغابن، ۸) «پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده‌اش و نوری که همراه او فرود آمد»، امام پاسخ فرمود: «یا خالد، النور، والله، الاتمه من آل محمد الی یوم القیامه، و هم، والله نور الله الذی انزل و هم، و الله، نور الله فی السموات و الارض، والله، یا اباخالد، لنور الامام فی قلوب المؤمنین انور من الشمس المضيئه بالنهار، و هم، و الله، ینورون قلوب المؤمنین و یحجب الله - عزوجل - نورهم عنّ یشاء فتظلم قلوبهم» (کلینی، ج ۱، ص ۱۹۲، ح ۲). «ای ابو خالد، نور، به خدا قسم، امامان از خاندان پیامبر تا روز قیامت‌اند و به خدا قسم، آنان نور خدایند که نازل شده است و به خدا سوگند، آن‌ها نور خدا در آسمان‌ها و زمین هستند و به خدا قسم، ای ابوخلد، نور امام در قلوب مؤمنان، روشن‌تر از روشنایی خورشید در روز است، و به خدا سوگند، آن‌ها دل‌های مؤمنان را روشن کرده‌اند و خدای - عزوجل - نورشان را از هر که بخواهد می‌پوشاند، پس دل‌هایشان تاریک می‌شود».

۱۱- روزی مخصوص:

اهل حیات طیبه در عالم «عندیت» بهره‌هایی دارند که نمی‌توان درباره آن گفتگو کرد. ﴿عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ (آل عمران، ۱۶۹) «نزد خدا، روزی دارند». این رزق تنها خوراک و پوشاک و باغ و بستان نیست، بلکه واردات و دریافت‌های مخصوصی است که قلب را زنده می‌کند و «حیات طیبه» را در عالم عندالله تداوم می‌بخشد.

۱۲- رحمت خاص:

خدای تعالی رحمت عام و فراگیری دارد که همه هستی و مؤمن و کافر از آن برخوردارند، اما رحمت خاص او مربوط به عالم «عندیت» است. به همین دلیل، تنها اهل «حیات طیبه» از آن بهره‌مندند. درباره حضرت خضر «علیه‌السلام» وارد شده است ﴿آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا﴾ (الکهف، ۶۵) «به او رحمتی از نزد خود بخشیدیم». یا درباره حضرت ایوب پس از آزمون دشوار بردباری و جبران و بازگشت نعمت‌ها، می‌فرماید: ﴿وَ آتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes



مَعَهُمْ رَحْمَةٌ مِّنْ عِنْدِنَا ﴿انبیاء، ۸۴﴾ «و خاندانش و همانند آن‌ها را همراه آنان از نزد خود به او عطا کردیم». و از زبان حضرت نوح می‌فرماید: ﴿وَآتَانِي رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِهِ﴾ (هود، ۲۸) «و رحمتی از جانب خود به من عطا کرده است». رحمت خاص الهی مصادیق گوناگونی دارد: دانش حضرت خضر، بازگشت سلامتی و ثروت به حضرت ایوب به طور معجزه آسا و نبوت حضرت نوح، اموری است که از کمال یافتن هدایت به حق بر آمده. بنابراین، رحمت خاص آنگاه است که هدایت‌های الهی مؤثر شده و بنده‌ای به جایگاه شایسته بندگی برسد که همانا عالم «عندیت» و برخوردار از بهره‌های آن و در یک کلام، حیات طیبه است. رحمت عامه زمینه‌ها و ابزار و امکانات هدایت بوده و تباهی و روگردانی از آن‌ها موجب قهر و غضب الهی است و استفاده صحیح از این امکانات رحمت خاص را در پی دارد.

۱۳- آخرت:

با توجه به دو ویژگی پیشین، این حقیقت معلوم می‌شود که عالم «عندالله» همان عالم آخرت است. البته ویژگی‌های دیگری مثل بقا و پایداری هم این مطلب را به دست می‌دهد، چرا که آخرت هم به دو وصف «تیکویی» و «پایداری» توصیف شده است ﴿وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى﴾ (الاعلی، ۱۷) «و آخرت بهتر و پایدارتر است».

اما گذشته از این‌ها، قرآن کریم به صراحت می‌فرماید: ﴿الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ (البقره، ۹۴) «سرای آخرت نزد خداست». و یا ﴿وَ الْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ﴾ (الزخرف، ۳۵) «و آخرت نزد پروردگار توست». بنابراین، آخرت همان عالم «عندالله» است و زنده شدگان به حیات طیبه هر چند هنوز در این جهان طبیعی حضور مادی داشته باشند، گویی ناظر قیامت و عقوبت و پاداش مردمانند.

عالم آخرت هم اکنون موجود و برپاست، اما حجاب اوهم دنیوی مانع از دیدن باطن دنیا، که آخرت است، شده ﴿يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ﴾ (الروم، ۷) «نمایی از زندگی پست و دنیوی را دانسته و از آخرت غافلند». بنابراین، آخرت اکنون هم هست، ولی در غیب آسمان‌ها و زمین و با فرا رسیدن قیامت، تنها حجاب‌ها از پیش دیدگان فرو می‌افتد ﴿لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ﴾ (ق، ۲۲) «تو از این عالم غافل بودی، ما پرده‌ات را - از جلوی چشمانت - کنار زدیم، پس امروز دیدگانت تیزبین شده است».

۱۴- سلام:

«سلام» به معنای سلامتی و نداشتن کاستی و بیماری است. اهل «حیات طیبه» و راه یافتگان به عالم «عندیت» مظهر اسم «سلام» خدا بوده و از کاستی‌ها و بیماری‌ها پاک و پیراسته‌اند. ﴿لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ (الانعام، ۱۲۷) «سرای سلامت نزد پروردگارشان برای آن‌ها است». این سلامت، سلامت قلب و جان است، نه تنها جسم و تن، زیرا جسم و تن در عالم باقی و حیات پایدار و ماندگار، مغلوب روح و قلب است. خدای متعال در این مورد فرمود: ﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾ (الشعراء، ۸۸-۸۹) «روزی که دارایی و فرزندان فایده‌ای ندارد، مگر کسی که دلی سالم به حضور پروردگار آورد».

در مقابل، کسانی که از «حیات طیبه» و درک محضر الهی محرومند ﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ﴾ (البقره، ۱۰) «در دل‌هایشان مرض است و خداوند بیماری و کاستی دلشان را بیشتر می‌کند و برایشان عذاب دردناکی است». این دل‌های بیمار حتی در قیامت هم حضور الهی را به شایستگی درک نمی‌کند و شاید بیشترین رنج آن‌ها روز ظهور آخرت، همین باشد. ﴿وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى * قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَ قَدْ كُنْتُ بَصِيرًا * قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَ كَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنسى﴾ (طه، ۱۲۴-۱۲۶) «و در قیامت او را نابینا بر می‌انگیزیم. گوید: پروردگارا، چرا مرا کور محسوس کردی، در حالی که بینا بودم؟ (خدا) گوید: همان طور که آیات ما برای یادآوری آمد، اما تو فراموش کردی، امروز فراموش می‌شوی».

از جمله ویژگی‌های کسانی که به حیات طیبه راه یافته‌اند، جایگاه راست و استوار و درک اینکه تمام هستی خود را ملک خدا دانسته و در پیشگاه خدا با استکبار رفتار نکردن و برخوردار از سرچشمه بی‌پایان با حمایت و پشتیبانی الهی است.

ب) سبک زندگی از منظر معصومین علیهم السلام (سبک زندگی از منظر روایات با تکیه بر روایات پیامبر اعظم)

وجود راهنما و مرشد برای زندگی بهتر و همراه با آرامش در تمامی مکاتب الهی و عرفانی شیوه و توصیه شده است، دکتر الکسی کارل چنین عقیده دارد: «برای تعلیم راه و رسم زندگی به مردم، بوجود راهنماییانی احتیاج داریم که شناسایی امور قرن و علم طب و خردمندی فیلسوف و وجدان روحانی را در خود جمع داشته باشند. بیان دیگر زاهدی تجربه‌ی زندگی آموخته و در علم انسان تعلیم یافته. شاید بایستی به این منظور جمعیتی مسلکی بوجود آورد که افرادش در عین حال دارای سجایای علمی و روحانی باشند.» (کمپانی، بی تا، ص ۷۰) قرآن پیامبر اسلام را به عنوان اسوه حسنه به همگان معرفی کرده است همین پیامبر ما بهترین زندگی خانوادگی را داشتند رفتار او با همسر و فرزندان بهترین الگو است. سیره‌ی پیامبر (ص) و معصومین (ع)، جدای از شیوه و اصول قرآنی نبوده، ائمه اطهار (ع) مظهر عینی شاخصه‌های قرآنی در زمینه‌ی زندگی بودند، جدای از مسئله عصمت و علم



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

آنان، بارورهایی قرانی در وجود آنان ریشه نموده بود. با این حال در زندگی فردی و اجتماعی آنان نکته های قابل تأملی می باشد. در این بحث فقط به قسمت هایی اشاره می کنیم که به سبک زندگی ایشان مربوط می شود.

۱) فردی

۱-۲. قرآن و تلاوت آن

تلاوت و فهمیدن قرآن، در زندگی یک اصل اساسی است. اسلام، بدون قرآن شناخته نمی شود و زندگی بدون قرآن، سامان نمی یابد. امامان هم خود قرآن می خواندند و هم دیگران را تشویق به خواندن قرآن می نمودند. نخست از تلاوت قرآن گفتیم و تلاوت خواندن و فهمیدن قرآن با هم گفته می شود. قرآن خواندن با تعقل در آیات آن باید باشد و قراءت تنها کافی نیست. روایات زیادی نشانگر خواندن قرآن با صوت بلند و جمیل می باشد. حتی فرزندان و اصحاب خود را تشویق به خواندن قرآن می نمودند. (وائقی راد، ۱۳۸۷، ص ۵۲)

بر اساس سند تحول تقویت انس با قرآن در دانش آموزان و توسعه فرهنگ و سواد قرآنی با اصلاح برنامه ها و توانمندسازی معلمان در راستای تقویت مهارت و روحانی و روان خوانی در دوره ابتدایی، آشنایی با مفاهیم کلیدی قرآن در دوره متوسطه اول و آموزش معارف قرآنی در متوسطه دوم بر اساس منشور توسعه فرهنگ قرآنی مد نظر قرار گرفته است.

۲-۲. اقامه ی نماز

نماز نخستین دستوری است که جانب خداوند داده شد و نخستین عبادتی است که تشریح شده است. پیامبر اسلام، سایر انبیاء و هم چون لقمان حکیم امر به خواندن نماز خود و فرزندانشان شده اند. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا تَسْئَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» (طه، ۲۰) این آیه خطاب به پیامبر اسلام می باشد؛ آیه از حضرت می خواهد که خانواده اش را امر به خواندن نماز نماید و بر این عمل اصرار داشته باشند، دلیل بر آن می باشد که امر نماز سطحی نگریسته نشود. همانگونه که گفته شده پس از ازدواج علی و فاطمه حضرت (ص) شش ماه تمام بر در منزل آنان می آمده و سفارش نماز را می نموده است حکایت معروف دیگر از اصرار امامان بر نماز، سفارش امام صادق (ع) هنگام فوت ایشان می باشد که فرمودند: شفاعت ما به کاهل نمازتان نمی رسد. (مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۲۵۴)

با توجه به تعلیم اسلام و سفارش بزرگان دین در سند تحول نظام آموزش و پرورش نیز نسبت به توسعه فرهنگ اقامه نماز و اهتمام به برپایی نماز جماعت در مدرسه اهتمام ویژه ای صورت گرفته است.

۳-۲. استغفار و دعا

از امور مهمی که ائمه اطهار (ع) سرلوحه ی زندگی خود قرار داده بودند استغفار است به طوری پیامبر روزانه ۷۰ مرتبه استغفار می نمودند و سفارش فراوان به دعا می کردند. حضرت زهرا (س) به فرمایش فرزندش امام حسن (ع) بعد از نماز صبح در حق همسایگانش دعا می نمود. امام سجاد (ع) با صحیفه سجاده و دعاهای موجود در آن دریجه ای وسیع به دنیای معارف باز کند. امام در تمام امور مختلف زندگی دعا نموده اند. حتی زیارت های گونا گونی که از ائمه ی اطهار رسیده است حاوی دعاهای مهمی در باب زندگی شخصی نیز می باشد.

۲) اجتماعی (در رابطه با دیگران)

۱-۲. نیکی به پدر و مادر.

پیامبران و امامان بیشترین احترام را به پدر و مادری گذاشتند چون دستور قرآن هم چنین است. امام سجاد (ع) در دعا فرمودند: «...و اجعل طاعتی لوالدی و بری بهما اقر لعینی من رقدة الوسان، و اثلج لصدری من شربة اظمان حتی اوثر علی هوای هواهما،...» و فرمان برداری و خدمت گذاری ام را که درباره ی ایشان (پدر و مادر)، در نظرم از خواب نوشین، گوارا تر گردان، و زحمتی را که در خدمت گذاری به آنان می برم، در نظرم از لذت خوابی که در چشم خواب آلودگان می ریزد، شیرین تر،...» (خلجی، بیتا، ص ۱۴۵).

۲-۲. صله رحم.

«قَالَ كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقُولُ إِنَّ لِأَهْلِ التَّقْوَى عِلْمَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا صِدْقُ الْحَدِيثِ وَ آدَاءُ الْأَمَانَةِ وَ وِفَاءُ بِالْعَهْدِ وَ قِلَّةُ الْعَجْزِ وَ الْبُخْلُ وَ صِلَةُ الْأَرْحَامِ وَ رَحْمَةُ الصُّعْفَاءِ...» از علی (ع) نقل شده است: علامات متقین که بدان شناخته می شوند راست گویی، ادای امانات و وفاء به عهد، عجز و ناتوانی نکردن داشتن بخل، صله ی رحم و رحم برضعفا و... (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۷).

۳-۲. فرزندان

بزرگترین هم ائمه (ع) تربیت فرزندان صالح به جامعه بوده است و خود بهترین سرمشق برای آنان می بودند. امام در نامه ی معروف خود به امام حسن (ع) معجزه آورترین دستورات اخلاقی را به آن جناب می فرماید که شامل بیشترین دستورات قرآنی بالا از جمله رعایت تقوی، ذکر خدا، عدم مصاحبت با کذاب و هم نشین بد، دوری از بخل و غیره، از مضرات وجود این گونه آفات سخن می گوید. امام راهکار عملی همراه با علت مفسده ی وجودی آن را برای



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

فرزندش بیان می کند: «و ایاک و مصاحبه الأحقق، فأنه یرید أن ینفک فیضک وایاک و مصاحبه القاطع لرحمه، فانی وجدته ملعوناً فی کتاب الله» این نامه بسیار طولانی و مفصل می باشد و شامل بندهای گوناگون می باشد و برای شرح آن می توان به کتاب پیام نهج الباعه ای آیه الله مکارم شیرازی مراجعه نمود. (همان، صص ۱۸۰-۱۸۳).

۲-۴. خانواده

پس از امر خطیر ازدواج که اسلام بدان بسیار پرداخته، رفتار زوجین است که در درجه ی اهمیت می باشد. اموری در زندگی مشترک وجود دارد که زن و مرد موظف به اجرای آن شده اند. اما شاید بتوان گفت اسلام کفه ی ترازوی طرف مرد را سنگین تر نموده باشد. پیامبر اسلام می فرماید: «خیرکم خیرکم لأهله و أنا خیرکم لأهلی»: بهترین شما کسی است که برای خانواده اش بهتر باشد. و من برای خانواده ام از تمام شما بهترم. (کلینی، ۱۳۶۵، ص ۳۴۵).

قرآن مرد را مسئول امور زن قرار داده و معصومین نیز مرد را مکلف به تأمین معاش زندگی زن و امور مختلف وی پرداخته است «من طلب الرزق فی الدنیا استغفا عن الناس و توسعاً علی اهله و تعطفاً علی جاره لقی الله عزّ و جلّ یوم القیامه...»: هر کس در دنیا طلب روزی کند تا از مردم بی نیاز باشد، و در روزی خانواده اش توسعه دهد و به همسایگانش احسان کند، خدا را در قیامت ملاقات می کند در حالی که رویش چون شب ماه چهارده می درخشد. رزقی که اسلام مرد را تکلیف به کسب آن می نماید از نوع حلال باید باشد. قال رسول الله (ص): العبادة سبعون جزءاً افضلها طلب الحلال (حراعی، ۱۴۰۹، ص ۲۳۱).

نکته: اسلام به تغذیه سالم، ورزش، زیبایی های طبیعی و مجازی و رفاه خواهی توجه نموده و دست انسان را تا اندازه ای که او را از ارزش های الهی دور نسازد باز گذاشته است.

۳) داده های علمی و تجربه شده:

باید توجه داشت که بر اساس اصول حاکم بر قواعد علمی و تجربی در سند تحول برای تربیت انسان به این مسئله به عنوان یک غایت برای رسیدن او به جایگاه والا بر اساس موازین شرع مقدس اشاره شده است و اهدافی را در این زمینه دنبال می کند که عبارتند از:

۱- تربیت انسانی موحد و مؤمن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت جو و عاقل، عدالت خواه و صلح جو، قانون مدار و نظم پذیر و آماده ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی بر اساس نظام معیار اسلامی.

۲- ارتقای نقش نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و خانواده در رشد و تعالی کشور، بسط و اعتلای فرهنگ عمومی و زمینه سازی برای اقتدار و مرجعیت علمی و تکوین تمدن اسلامی - ایرانی در راستای تحقق جامعه جهانی عدل مهدوی با تأکید بر تعمیق معرفت و بصیرت دینی و سیاسی، التزام به ارزش های اخلاقی، وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران، اعتقاد و التزام عملی به اصل ولایت مطلقه فقیه و مردم سالاری دینی

۳- گسترش و تأمین همه جانبه عدالت آموزشی و تربیتی.

۴- برقراری نظام اثر بخش و کارآمد مدیریت و مدیریت منابع انسانی بر اساس نظام معیار اسلامی.

۵- افزایش مشارکت و اثربخشی همگانی به ویژه خانواده در تعالی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.

۶- بهسازی و تحول در نظام برنامه ریزی آموزشی و درسی، مالی و اداری و زیرساخت های کالبدی.

۷- ارتقای اثربخشی و افزایش کارایی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.

۸- کسب موقعیت نخست تربیتی در منطقه و جهان اسلام و ارتقای فزاینده جایگاه تعلیم و تربیتی ایران در سطح جهانی. (فصل چهارم - هدفهای کلان)

قرار گرفتن در استیل اسلامی تمامی به این معنا است که ما برداشت صحیح از احکام و قوانین اسلامی داشته باشیم و از هرگونه خودرایی و استبداد به پرهیزیم، خشک و بی روح، با فرامین اسلامی چه از قرآن و چه از سیره معصومین برخورد نماییم.

حال که با پاره ای از اصول اسلامی برای داشتن سبک زندگی فرا گرفتیم به گوشه هایی از تجارب و داده های علمی برای کاربرد بهتر همین قوانین اشاره می کنیم و ببینیم که هیچ منافاتی با ارزش های اسلامی ندارد. هدف از این بخش این است که، حال که شما چارچوب اعتقادی بالا را پذیرفتید آن را با اصول علمی، مستحکم و پایدار سازید.

۳-۱. علم و سوادآموزی: علاوه بر این که دستور قرآن و سفارش ائمه (ع) می باشد باید بدانیم حرف اول را در دنیای امروز می زند بدون علم و تخصص نه کاری به پیش می رود و نه حرفی مورد پذیرش واقع می شود. امروزه که سخن از انفجار اطلاعات می باشد، ما باید به دانش روز آگاه باشیم و سطح علمی خود را در سطوح مختلف بالا ببریم و بی توجه به مسائل علمی روز نبوده باشیم.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

۳-۲. مدیریت در سطوح و اندازه های مختلف: همیت ویژه یافته است. حتی اداره ی یک زندگی سه نفره مدیریت هوشمند و علمی طلب می کند. چرا که زندگی به آسانی گذشته نیست. شما باید در مصرف، کار، تحصیل، خانه داری و غیره حساب شده وبا برنامه به پیش باید بروید و گرنه در زندگی شکست می خورید.

شما باید علاوه بر کسب حلال، باید درست مصرف کنید و اسراف و تبذیر و خریدهای بی جا صرف نظر کنید و کنترل مناسبی بخرید و مصرف خود داشته باشید. یک خانواده باید مدیریت زمان داشته باشد، کار، تحصیل و مشغله های مختلف نباید بگذارد که یک خانواده ساعتها دورازهم باشند بلکه «در کنارهم بودن و با هم بودن» از مهم ترین دغدغه های یک خانواده باید باشد.

اگر مدیریت را اداره ی یک واحد محسوب کنیم و یا تدبیر امور بدانیم به تمامی اصول اسلامی که در بالا گفتیم مربوط می شود شما بدون ضابطه و برنامه نمی توانید ذکر خدا را بگویید نمی توانید احسان و انفاق کنید، صله رحم یا مهمانی کنید. به سفر بروید یا تحصیل کنید. برای هر یک باید زمان خاصی قرار دهید یا میزان مشخصی وضع نماید. حتی خداوند به پیامبر اسلام فرمود یک روز انقدر انفاق نکن تا روز دیگر چیزی برای انفاق نداشته باشی. (و لا تجعل يدك مغلوله الى عنقك ولا تبسطها كل البسط فتقعد ملوما محسورا) (الاسراء، ۲۹) در مورد مهمانی، برخی چندان در این امر زیاده روی می کنند که منجر به آسیب ها و اسراف و تبذیر می گردد حتی امیرالمومنین می فرمایند: مهمانی زیاد ملال آمیز است. و مرحوم ایه اله مرعی (ره) در وصیت نامه اش به فرزندش می فرماید از مهمانی زیاده رفتن به پرهیز. واز طرفی، اگر چه اسلام مهمان را حبيب خدا محسوب می کند و تا لحظه ای که مهمان در خانه می باشد ملائک بر صاحب خانه دورود می فرستند. با این حال برخی ازدادن مهمانی که به نوعی صله رحم نیز می باشد خود داری می کنند. سخن ما این است در این زمینه ها افراط و تفریط نشود. بحث عدالت و میانه روی، در مدیریت موضوعیت پیدا می کند. مدیریت به شما می آموزد از افراط و تفریط بپرهیزید و قانون مند در زندگی به پیش بروید. به هر حال مدیریت یعنی ذکاوت و هوشمندی در اداره ی امور خانواده می باشد و یا استفاده ی بهینه از تجارب دیگران است.

در سند تحول نیز استقرار نظام مدیریت اثربخش، کارآمد، مسئولیت پذیر و پاسخگو و بستر سازی برای استقرار نظام کارآمد منابع و مصارف در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی مورد توجه قرار گرفته است. (هدف های کلان - فصل پنجم)

۳-۳. اعتماد به نفس: آموزه ای مهمی که افراد چه از بزرگ و کوچک بدان نیازمند می باشند، به خصوص در زمینه تربیت کودک، کودکان را باید گونه ای بار آور که از همان اوان با اعتماد نفس باشند. چون راه موفقیت در زندگی از اعتماد به نفس گذر می کند. همانگونه که گفتیم ائمه (ع) در تربیت کودکان زمان مصروف کرده اند.

۳-۴. مسئولیت پذیری: یک حس خوبی که افراد باید داشته باشند. بدین گونه که شما در قبال خانواده، خود و جامعه مسئول هستید که این کاری که به عهده ی شما گذاشته شده به بهترین وجه باید انجام دهید. مسئولیت با تعهد همراه است. زمانی که مدیر یک زندگی شدی یعنی مسئول شدی و متعهد گردیدی که از تمام توان خود برای پیشبرد و پیشرفت خانواده ات استفاده کنی و تمام تلاش خود را بکنی تا آنان در آسایش و رفاه باشند. تقویت و نهادینه سازی مشارکت اثربخش و مسئولیت پذیری مردم، خانواده و نهادهای اقتصادی، مدیریت شهری و روستایی و بنیادهای عام المنفعه در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی (فصل پنجم - راهبردهای کلان)

به شناسایی قابلیت های خود و افراد خانواده برای توسعه و پیشرفت انسانی و مادی توجه داشته باشی و آنان را مسئولیت پذیر به خصوص کودکان را بار بیاوری. مهارت هایی که لازمه ی یک فرزند است به او بیاموزی. (میر حسینی اشکوری، ۱۳۸۲، ص ۳۴).

۳-۵. شاد بودن: بزرگی فرمود: برای زندگی ات فکر کن ولی غصه نخور. مشکل بزرگی که امروزه سد خانواده ها شده عدم شادی یا افسردگی در خانواده ها است، عدم تفاهم و تفکر صحیح وزنده، دغدغه و مصیبت بزرگی برای زندگی است. شاد بودن و شاد زیستن مراحل دارد که باید اجرا شود. یکی همین تفکر صحیح است، که شاید بتوان گفت فکرهای آشفته و پریشان نکردن، نگرش صحیح به رویدادها.

روایت هایی که، در زمینه تفکر و اهمیت آن در اسلام است. خیلی معروف و سمبل هستند، که همگی موبد این مطلب باشد که شالوده ی اصلی زندگی ما تفکر باشد و شورا هم با دیگران داشته باشیم تا به نتیجه ای عالی برسیم و کمتر غصه بخوریم یا افسردگی داشته باشیم، چرا که همواره گفته اند فکر جمعی بهتر از خودرایی است.

سخن از یک سری ردائل اخلاقی چون حسد و غیبت کردیم که اسلام به مذمت آنها پرداخته است، وجود همین صفات بد، باعث آن است تا انسان حسرت دیگران را بخورد لذا افسرده و غمگین باشد.

۳-۶. استفاده از تجربه های دیگران: زیاد اتفاق افتاده، گاهی یک نکته یا سخن از فردی راه گشا و مشکل گشای ما خواهد شد. تمامی ضرب المثل ها و حکایت ها از تجارب مردم سرچشمه گرفته شده است. اگر چه تمامی تجربه ها در همه موارد یکسان استفاده نمی شوند، این گونه هم نباشد که به



اطرافمان بی توجه باشیم. تجربه ی افراد زاویه ی دید آنها است که ممکن بهتر از دید ما به وقایع باشند، بنابراین بهتر است بی اعتنا یا منفی یا عقاید دیگران برخورد نکنیم.

۳-۷. **داشتن برنامه:** که نمادگر داشتن هدف در زندگی است. «زندگی یک سفر است. سفری مانند همه سفرهای دیگر. اگر نقشه و برنامه ای نداشته باشید راهتان را گم می کنید. اما با یک برنامه ی حساب شده، جدی و واقع بینانه، به موفقیت می رسید. اگر نمی دانید چگونه به استراتژی های زندگی برسید، بدون جهت فرض را بر نادانی خود نگذارید، آموختنی فراوان است. تجربه به ما آموخته است که می توان نتایج را تغییر داد. می توان از شکست به پیروزی رسید». گفتن تمام این مطالب برای این است که بدانیم، اگر با داشتن سبک اسلامی در زندگی شکست خوردیم، نه به دلیل نا کافی بودن برنامه های اسلامی است، بلکه بدانیم اصول و مقررات دیگری هم می باشد که کاربرد آن برای آن چارچوب اعتقادی لازم می باشد.

ج- سبک زندگی از منظر بزرگان

سبک زندگی حیات طیبیه در کلام رهبر معظم انقلاب (حفظه الله)

■ قرآن حیات طیبیه را به ما وعده داده است: «فَلْتَحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً». (نحل: ۹۷) حیات طیبیه یعنی چه؟ زندگی پاکیزه یعنی چه؟ یعنی زندگی ای که در آن، هم روح انسان، هم جسم انسان، هم دنیای انسان، هم آخرت انسان تأمین است؛ زندگی فردی در آن تأمین است، آرامش روحی در آن هست، سکینه و اطمینان در آن هست، آسایش جسمانی در آن وجود دارد؛ فوائد اجتماعی، سعادت اجتماعی، عزت اجتماعی، استقلال و آزادی عمومی هم در آن تأمین است. قرآن اینها را به ما وعده داده است. وقتی قرآن می گوید: «فَلْتَحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً» یعنی همه ی اینها؛ یعنی آن زندگی ای که در آن عزت هست، امنیت هست، رفاه هست، استقلال هست، علم هست، پیشرفت هست، اخلاق هست، حلم هست، گذشت هست. ما با اینها فاصله داریم؛ باید به اینها برسیم. (گزیده ای از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار قاریان قرآن ۱۳۸۹/۰۴/۲۴).

❖ حیات طیبیه یعنی زندگی در رویه ی مادی و نیازهای جسمانی و همچنین در لایه ی نیازهای معنوی - چه علمی، چه عملی، چه روحی - پاسخگو باشد. (گزیده ای از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه های استان کرمان ۱۳۸۴/۰۲/۱۹).

❖ اگر بشر تحت تربیت الهی ... قرار گیرد، این حیات طیبیه در نفس او به وجود خواهد آمد و محیط را هم طیب و طاهر خواهد کرد. (گزیده ای از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار عمومی به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۷۷/۱۰/۲۸)

❖ همه فرائض، احکام، تکالیف، واجبات، اجتناب از گناهان و نوافل و مستحبات و احکام اجتماعی و فردی، همه و همه مقدمه حیات طیبیه است؛ مقدمه زنده شدن انسان با روح انسانی است؛ مقدمه عروج انسان از عالم بهیمنیت و حیوانیت و توحش است. (گزیده ای از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار عمومی به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۷۷/۱۰/۲۸).

❖ آنچه را که ما به ملت خودمان توصیه می کنیم این است که باید «حیات طیبیه اسلامی» را در کشورمان احیا و اقامه کنیم. این، چیزی است که جمهوری اسلامی به دنبال آن است. (گزیده ای از بیانات رهبر معظم انقلاب در مسجد جامع خرمشهر ۱۳۷۵/۱۲/۱۹).

❖ معنای حیات طیبیه اسلامی این است که جامعه ایرانی در زیر سایه اسلام و قرآن، با امنیت، با رفاه، با معرفت، با برادری، با به کار گرفتن استعداد های بشری، با احاد این ملت به وجود آورد. (گزیده ای از بیانات رهبر معظم انقلاب در مسجد جامع خرمشهر ۱۳۷۵/۱۲/۱۹)

❖ ما آمدیم تا حیات طیبیه ی اسلامی را برای کشورمان و برای مردمان باز تولید کنیم؛ آن را تأمین کنیم. و اگر بخواهیم با یک نگاه وسیع تر نگاه کنیم، چون باز تولید حیات طیبیه ی اسلامی در کشور ما می تواند و می توانست و می تواند همچنان الگوئی برای دنیای اسلام شود، در واقع آمدیم برای اینکه دنیای اسلام را متوجه به این حقیقت و این شجره ی طیبیه بکنیم؛ ما برای این آمدیم. هدف، جز این چیز دیگری نبود، الان هم هدف جز این چیز دیگری نیست. (گزیده ای از بیانات رهبر معظم انقلاب دیدار روسای سه قوه و مسئولان و مدیران بخش های مختلف نظام ۱۳۸۷/۰۶/۱۹)

❖ حیات طیبیه ی اسلامی، زندگی بی است که در آن، راه رسیدن به معنویت و اهداف و سرمنزل های نهایی این راه، از زندگی دنیایی مردم عبور می کند. اسلام دنیای مردم را آباد می کند؛ منتها آبادی دنیا هدف نهایی نیست. هدف نهایی عبارت است از این که انسان ها در زندگی دنیوی از معیشت شایسته و مناسب، از آسودگی و امنیت خاطر، و از آزادی فکر و اندیشه برخوردار باشند و از این طریق به سمت تعالی و فتوح معنوی حرکت کنند. حیات طیبیه ی اسلامی شامل دنیا و آخرت - هر دو - است (گزیده ای از بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع بزرگ مردم رفسنجان ۱۳۸۴/۰۲/۱۸)



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

۴- بحث و نتیجه گیری:

از آنجا که موضوع سبک زندگی اسلامی و نیز قانون مند کردن آن برای همه بشریت، آن گونه که شایسته این مهم باشد، چندان مورد توجه قرار نگرفته است، پژوهش در این موضوع از منظر اسلام بسیار به جا و مورد نیاز است که در این مقاله به آن پرداخته شده است و به نتایج زیر رسیدیم:

- پاسداشت عهد و پیمان خدا، سبب گشوده شدن درهای رحمت الهی است و زندگی پایدار و همیشگی.
- سبک زندگی اسلامی در «حیات طیبه»، یک حیات جدید، غیر از آن حیاتی است که دیگران زندگی می‌کنند، می‌باشد.
- سبک زندگی در حیات طیبه، زندگی حقیقی و واقعی است، نه مجازی.
- بردباری و صبوری برای رضایت خدا، شرط ورود به «حیات طیبه» است. زیرا صبر در راه خدا، پایه عزم و اراده قوی و کارآمد در صحنه مبارزه با نفس است.
- ایمان و عمل صالح، ملاک و معیار اساسی سبک زندگی اسلامی و دستیابی به حیات طیبه است.
- حیات طیبه و لقای پروردگار، هر دو، با ایمان و عمل صالح به دست می‌آید. از آن جهت که «حیات» سبب حس و حرکت در همه موجودات است، «حیات طیبه» نیز سبب شهود حق تعالی و سیر در تجلیات انوار الهی و سبک زندگی جدید نورانی برای آدمی می‌گردد.
- از جمله آثار «حیات طیبه» افزون بر شادی و آرامش در زندگی و شعور و بینش و بصیرت شهودی، زندگی تحت ولایت خدا است که در آن، سختی و فرسودگی و ذلت و شقاوت راه ندارد.
- منظور از سبک زندگی، ارزش‌ها و فرامینی هستند که من در یک قالب مشخص به نام سبک اسلامی قرار داده ام به نحوی که از حدود آن خارج نشوم. این سبک به من اجازه خوردن و پوشیدن هر چیزی، و قدم گذاشتن به هر جایی را نمی‌دهد. هر سخنی را بر زبان نیاورده، طالب حق بوده به فرامین کتاب آسمانیم و به سخنان و سیره ی ائمه ام توجه کنم. از مهم ترین اصول سبک اسلامی، تعقل و تفکر می باشد. بدین نحو که شما یک زندگی شاداب و کم تنش را با فکر صحیح و علمی، مشورت، مسئولیت و تعهد خود به پیش می‌برید. تنها در زندگی های شاد که امنیت روحی وجود دارد فرزندان موفق تربیت می شوند. استیل اسلامی آن است به سیره ی زندگی ائمه(ع) توجه داشته باشید این سیره هیچ منافاتی با یافته های عقلی و علمی ندارد. سبک اسلامی در مقابل سبک های مصرف گرای موجود در جامعه قرار می گیرد. سبک اسلامی یعنی قرار گرفتن در یک چارچوبی که بدنه ی اصلی آن را اعتقادات اصولی و اخلاقی ریشه درونی تشکیل داده است، این سبک ما را از پوچ گرایی برحذر می‌دارد. ماندن در این چارچوب اعتقادی، لازم می‌آید که ما از یافته های عقلی و تجارب دیگران استفاده کنیم تا زندگی موفق تری داشته باشیم.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

منابع:

قرآن کریم

نهج البلاغه

سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت

آلکسی کارل. مجموعه آثار و افکار (انسان، موجود ناشناخته). پرویز دبیری. ناهیداصفهان. بی تا.

حرّ عاملی. وسائل الشیعه. مؤسسه آل البیت. قم. ۱۴۰۹.

سید محمدحسین طباطبائی، رساله الولا یهّ ضمیمه کتاب طریق عرفان (ترجمه رساله الولا یهّ)، ترجمه صادق حسین زاده، قم، نشر بخشایش، ۱۳۸۱.

شفیعی کدکنی، دکتر محمد رضا، شاعر آئینه ها، تهران، مؤسسه ی انتشارات آگاه، ۱۳۶۶،

صحیفه سجّادیه. ترجمه محمد تقی خلجی. انتشارات میثم تمار.

غلامرضایی، محمد، سبک شناسی شعر پارسی، انتشارات جامی ۱۳۷۷،

فضل الله کمپانی. آیاتی از قران مجید و سخنان معصومین (ع) در امور دنیا و دین. بی تا. کتاب فروشی فروغی. بی جا؛

فضل بن حسن طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ترجمه علی کرمی، تهران، فرهنگ، ۱۳۸۰.

گزیده ای از بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع بزرگ مردم رفسنجان ۱۳۸۴/۰۲/۱۸

گزیده ای از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان ۱۳۸۴/۰۲/۱۹

گزیده ای از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار عمومی به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۷۷/۱۰/۲۸

گزیده ای از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار عمومی به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۷۷/۱۰/۲۸

گزیده ای از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار قاریان قرآن ۱۳۸۹/۰۴/۲۴

گزیده ای از بیانات رهبر معظم انقلاب در مسجد جامع خرمشهر ۱۳۷۵/۱۲/۱۹^۱.

گزیده ای از بیانات رهبر معظم انقلاب دیدار روسای سه قوه و مسئولان و مدیران بخشهای مختلف نظام ۱۳۸۷/۰۶/۱۹

محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، انتشارات دار الاسلامیه، ۱۴۲۶ ق.

محمدتقی مجلسی. بحار الانوار. مؤسسه الوفا بیروت. ۱۴۰۴.

محمدحسین واتقی راد. سیره معصومین (ع). اول. تهران. معاونت امور روحانیون. ۸۷.

مریم میر حسینی اشکوری. بر کرانه خانواده. اول. ۸۲. فیضیه.

ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، چ سیزدهم، قم، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۷۳.

ناصر مکارم شیرازی. پیام امام. دارالکتب الاسلامیه. ۷۵. تهران.

یعقوب کلینی. اصول کافی. دارالکتب اسلامیه. تهران. ۶۵.